

---

## جایگاه رفاه اقتصادی در بیانیه گام دوم و تبیین مبانی دینی آن بر اساس معادشناسی شهید بهشتی

---

محمد مهدی رفیعی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

محمد حسین رفیعی<sup>۲</sup>

### چکیده

بی شک یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انقلاب اسلامی، تأمین رفاه اقتصادی بوده و هست. این اهمیت در جای جای سخنان رهبران انقلاب اسلامی نمود داشته و در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط آیت‌الله خامنه‌ای صادر شده، بخش قابل توجهی را به خود جلب کرده است. سوالی که ذهن مخاطبان را به خود درگیر می‌کند آن است که با توجه به اصول اسلام، جایگاه رفاه اقتصادی و مادی در این مکتب و به تبع تمدن اسلامی چیست؟ پاسخ این سؤال از زوایای مختلف قابل بررسی است، اما در مقاله حاضر سعی می‌شود بر اساس معادشناسی شهید سید محمد حسینی بهشتی، به عنوان یکی از رهبران انقلاب اسلامی، به این مسأله پرداخته شود. شهید بهشتی بر اساس برداشت‌های قرآنی خویش، معاد را جسمانی عنصری معرفی می‌کند و به این ترتیب بهشت را صرفاً بستری برای تکامل و حرکت

---

۱. طلبه سطح عالی حوزه علمیه قم Mahdi.rafi.1511@gmail.com

۲. استادیار گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمیه. Rafiee57@gmail.com

انسان به سوی سعادت می‌داند. این نگرش موجب می‌شود تا مسأله رفاه مادی که بهشت نیز عهده‌دار تأمین آن است، جلوه دیگری پیدا کند. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی پس از تبیین مبانی فکری شهید بهشتی، با محوریت قرارداد دیدگاه او؛ به جایگاه رفاه اقتصادی در نظام ایدئولوژیک اسلام و تمدن اسلامی پرداخته می‌شود، تا همخوانی تفکر این اندیشمند با محتوای گام دوم از این دریچه روشن گردد.

**واژگان کلیدی:** رفاه اقتصادی، سعادت، تمدن اسلامی، بیانیه گام دوم، شهید بهشتی

## ۱. مقدمه

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ هـ ش از جانب آیت الله خامنه‌ای علیه السلام صادر شده، اساس و مبانی تمدن سازی اسلامی ارائه گردیده و مسیر رسیدن انقلاب اسلامی به تمدن اسلامی در گام دوم آن روشن شده است.

یکی از مسائل مورد تأکید در این بیانیه، رشد اقتصادی و رفاه عمومی است. اساساً با تکیه بر این مسئله بسیاری از سیاست‌های حکومت نیز شکل می‌گیرد و در واقع رفاه و اقتصاد رکنی جداناپذیر از تمدن اسلامی و مسیر رسیدن به آن در نظر گرفته شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۰)

در این میان مسئله‌ای که از اهمیت بسیاری برخوردار است این است که با توجه به اصول اسلام، جایگاه اقتصاد و رفاه مادی چیست؟ رفاه عمومی و جامعه بی‌دغدغه یا کم‌دغدغه در حوزه اقتصاد، چه امتیازی دارد که آن را جزء جدا ناپذیر تمدن اسلامی در نظر گرفته‌اند؟. یکی از ایده‌پردازان انقلاب اسلامی که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری جمهوری اسلامی و برپایی نظام حاضر داشته، شهید آیت الله سید محمد حسینی بهشتی است. بهشتی؛ فقیه، فیلسوف و اندیشمند معاصر است که در حوزه مسائل اجتماعی و انسانی صاحب رأی و نظر بوده و بر همین اساس به نظریه پردازی در این حوزه پرداخته است.

در نگاه شهید بهشتی سعادت انسان در گرو تلاش برای ساخت جامعه است، اما این ساختن صرفاً منحصر در دعوت به توحید و معاد نیست، بلکه او معتقد است اگر انسان تا پای جان برای نظام عادل اجتماعی نکوشد، سعادت نخواهد داشت. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۲۰) به این ترتیب بهشتی برای جامعه سازی اهمیت بسیاری قائل است و در همین راستا معتقد است رفاه و اقتصاد نیز ضرورت داشته و از ارکان جامعه سازی و به تبع سعادت جامعه است. وی بر آن است که «انسانی که نیازهای اولیه‌اش تامین شود، شانس توجه و تربیت نیازهای برتر (خداگرایی) معمولاً در او بالاتر است». (همان: ۴۷)

بهشت، مظهر یک زندگی کامل و جامع انسانی است، و هدف اسلام ساختن این چنین

زندگی است... در این جهان (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۶۸)

این دیدگاه شهید بهشتی برخاسته از نظری در خصوص سعادت و معاد است و با توجه به تعریفی که از بهشت و دوزخ و فلسفه وجودیشان ارائه می‌کند؛ تلاش انسان برای ساخت بهشتی دنیوی را ضروری و عامل سعادت می‌داند. گفتنی است نظریات شهید بهشتی برخاسته از برداشت‌های او از کتاب و سنت است که ذیل هر یک از مسائل مطروحه، به مستندات قرآنی او اشاره خواهد شد.

در این مقاله سعی می‌شود بر اساس مبانی نظری شهید بهشتی؛ اهمیت مسئله اقتصاد در تمدن اسلامی - که آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام آن را یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده معرفی کرده است؛ (امام خامنه ای، (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) تبیین شود. اگرچه جایگاه اقتصاد در تمدن اسلامی از زوایای مختلف قابل بررسی است، اما در این مقاله جایگاه اقتصاد از آن جهت که مؤثر در تسریع حرکت انسان به سوی سعادت است، مورد توجه قرار می‌گیرد. به این منظور نخست به مراد از اقتصاد و رفاه مطلوب در تمدن اسلامی پرداخته و سپس با تبیین نظر شهید بهشتی در مورد سعادت انسان و نگاه وی به مسئله معاد؛ اهمیت اقتصاد و رفاه مادی در نظام فکری شهید بهشتی که برخاسته از مبانی قرآنی و روایی او است، روشن خواهد شد.

## ۲. پیشینه

در حوزه رفاه اقتصادی در اسلام آثاری نگاشته شده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «رفاه اقتصادی از منظر قرآن و آموزه‌های رضوی» (حسینی، احمدی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۲۳) و «نگرش اسلام به رفاه اقتصادی» (معصومی‌نیا، رشیدیان، ۱۳۹۴: ۵۵). در خصوص مسائل اقتصادی مطروحه در بیانیه گام دوم نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مقاله «واکاوی مؤلفه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تطبیق با مفاهیم بنیادین اسلام با استفاده از روش تحلیل مضمون» (جعفری، رئیس‌یان، ۱۳۹۹: <https://civilica.com/doc/1127769/>) را

می‌توان از این دسته نام برد.

اما در خصوص تبیین مبانی دینی جایگاه رفاه اقتصادی در بیانیه گام دوم و تمدن اسلامی، به خصوص بر اساس منظومه فکری شهید آیت‌الله بهشتی، اثری تألیف نشده است. به این ترتیب نویسنده درصدد بررسی این عنوان و تحلیل آن برآمده است.

### ۳. مفهوم‌شناسی

#### ۱.۳. رفاه

واژه رفاه در لغت به معنی «زندگانی فراخ و به عیش زیستن» (دهخدا، «رفاه») و «آسودگی و آسایش» (معین، ۱۳۸۵، ج ۲، «رفاه») به کار رفته است. رفاه در اصطلاح کاربردهایی دارد و تعاریفی از آن ارائه شده که در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: «رفاه عبارت است از بهره‌مندی اکثریت افراد جامعه از امکانات مادی، تا از تغذیه، مسکن، لباس، بهداشت، تفریح و... به نحوی مطلوب استفاده کنند.» (حسینی، احمدی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۲۶) البته در مراد نویسنده از رفاه، لزوماً «اکثریت جامعه» اخذ نشده و هر دو بُعد فردی و اجتماعی مسأله رفاه مورد توجه است. اما توضیح در مورد رفاه اقتصادی مطلوب در نگاه شهید بهشتی را به ادامه موکول می‌کنیم.

#### ۲.۳. اقتصاد

اقتصاد در لغت از ریشه «قصد» و به معنی اعتدال و میانه روی است. (طریحی، ج ۳، ۱۷۲) فراهیدی می‌نویسد: میانه روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه تقصیر و سختگیری. (فراهیدی، ج ۵، ۵۴) در تفسیر «و مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» (فاطر/۳۲) آورده‌اند: «فجعل أعلیٰ مقاماتهم الاقتصاد وهو «أوسط» مقامات هذه الأمة و فوق ذلك رتبة السابقین» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ۱۳۵) برخی نیز گفته‌اند: «الفريق الثانی وسط «مُقْتَصِدٌ» تتعادل سیئاته و حسناته» (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ۲۹۴۴).

اما «در اصطلاح، دانشی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالا و خدمات می‌پردازد.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۱۲۲)

#### ۴. جایگاه اقتصاد در اندیشه شهید بهشتی

انسان موجودی اجتماعی است که در زندگی خود ناچار از ارتباط و تعامل با دیگران می‌باشد، برخی از این تعاملات ریشه در لوازم ابتدایی زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن دارند. انسان‌ها به واسطه این دسته از نیازمندی‌هایشان، به یکدیگر نیازمند خواهند بود و به همین دلیل دست به تعامل و تبادل می‌زنند. این گونه روابط که انسان به خاطر تامین اشیاء و خدمات؛ آن را ایجاد می‌کند؛ روابط اقتصادی نام دارد. (بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۴۰) بنابراین دانش اقتصاد را می‌توان دانشی دانست که از این روابط - آن گونه که هستند - سخن می‌گوید. (همان)

در اسلام مسئله اقتصاد از آن جهت مورد بحث قرار می‌گیرد که انسان را موجودی دارای مراتب می‌بیند که در هر مرتبه از وجودش نیازمندی‌هایی دارد. از این رو انسان در مرتبه مادی وجودش، نیازهایی مادی دارد که در صورت تأمین این نیازها امید بیشتری برای پرداختن و رسیدگی به نیازهای مراتب بالاتر و یا به تعبیر دیگر نیازهای متعالی دارد. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۷).

بر این اساس اگر چه انسان بدون پرداختن به نیازهای مادی، امید پیمودن مراتب وجودی و حرکت به سمت کمال را دارد؛ اما این برای قالب انسان‌ها به مرحله عمل نمی‌رسد، چرا که از دشواری‌های بسیاری برخوردار است. پس رفاه مد نظر شهید بهشتی، برخورداری از نعمات مادی است، به قدری که انسان را از توجه به نیازهای مادی بی‌نیاز سازد.

شهید بهشتی بر اساس برداشت‌های قرآنی خود، معاد را جسمانی مادی خوانده و از همین رو باب جدیدی را در خصوص بهشت و دوزخ می‌گشاید. گشودن باب جدید از آن روست که نظریه غالب در حکمت متعالیه، معاد جسمانی مثالی است، نه معاد جسمانی

مادی و عنصری (رفیعی قزوینی، ۱۳۷۶: ۱۶۶) اگر چه برخی از بزرگان این مکتب نیز معاد عنصری و مادی را پذیرفته‌اند. (مدرس طهرانی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۹۳)

بهشتی بر خلاف آنچه اکثر فیلسوفان مسلمان بدان اذعان داشته‌اند می‌گوید:

من نه بهشت مجرد و عقلانی را پذیرفتم و نه نیمه مجرد و نیمه مادی و نه مجرد درجه پایین، یعنی مثالی و امثال اینها. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۱)

این نگاه شهید بهشتی موجب می‌شود تقریر دیگری از بهشت و دوزخ ارائه کند که برای تبیین بهتر این مسئله نخست به مسئله معاد جسمانی مادی در نگاه شهید بهشتی و سپس بهشت و دوزخ در نگاه وی خواهیم پرداخت.

#### ۱.۴. معاد از دیدگاه شهید بهشتی

شهید بهشتی نیز همچون دیگر اندیشمندان مسلمان معاد را از اصول غیر قابل انکار اسلام می‌داند. بهشتی در این باره می‌نویسد:

انسان در پرتو بعد الهی‌اش با مرگ نابود نمی‌شود، بلکه به ابدیت می‌پیوندد. انسان را با همه ارزشهای والا که برایش شناختیم در محدوده‌ای چند ساله در این زندگی دنیا اسیر نمی‌دانیم و مرگ نیستی‌آور را با همه اندوخته‌های حیاتی و تعاونی فوق مادی‌اش ناسازگار می‌یابیم. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۸۰)

شهید بهشتی انسان را محدود در زندگی چند ساله این دنیا ندانسته و معتقد است انسان در این زندگی زودگذر هر مسیر و جهتی را که طی می‌کند، در راستای همان در جهانی دیگر به زندگی ادامه خواهد داد. (همان: ۳۸۱) نگاه بهشتی به مسئله معاد نگاهی عجیب و ناسازگار با طبع نیست. او معتقد است زندگی انسان در بهشت و جهنم نه یک زندگی ما فوق تصور، که همین زندگی عادی است ولی با خلوص در دو بعد ثواب و عقاب. (همان: ۳۸۱) یعنی انسان در این دنیا لذات توأم با رنج و رنج‌های توأم با لذت و به عبارتی رنج و لذت ناخالص دارد، اما همین رنج و لذت در بهشت و جهنم به صورت خالص نمود پیدا کرده و هر انسانی یا در بهشت در لذت خالص و بدون رنج به سر می‌برد و یا در جهنم و

دوزخ در رنجی خالص، جاودان خواهد بود. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۵۱)

[بهره مندی‌های مادی در آن دنیا] تفاوتش با این دنیا این است که نوش این دنیا به نیش آمیخته است و در آن دنیا، دیگر نوش خالص است. وقتی می‌گویند تو در بهشت نوش داری دیگر نیشی همراهش نیست؛ ولی نوشش همین نوش است، تفاوت در خالص بودن است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰)

از خصوصیات معادشناسی شهید بهشتی این است که معاد روحانی و همچنین معاد جسمانی ملاصدرا یعنی جسم مثالی و خیالی را نمی‌پذیرد و بر این باور است که معاد جسمانی؛ مادی و عنصری است. درباره این ادعای او مهم‌ترین دلیل را می‌توان ظاهر آیات دانست که او را وادار به پذیرش معاد جسمانی عنصری می‌کند و همه برداشت‌های دیگر را نادرست و مخالف با صریح آیات کثیری که در این باره نازل شده‌اند می‌داند. (همان: ۴۱) با این حال می‌گوید ادله عقلی اقامه شده بر رد معاد جسمانی عنصری هرگز کافی نبوده و ناشی از خلط برخی از احکام فلسفی است.

بهشتی معتقد است نباید احکام مربوط به «موجودات» را از جمله قانون علیت، بر «وجود» نیز تعمیم داد. وی بر این اساس می‌گوید ادله‌ای که برای رد معاد جسمانی مادی آورده‌اند و در مقابل معاد عقلانی یا مثالی را اثبات کرده‌اند، همگی ناتمام و چیزی جز یک خدشه سست نیستند. (همان: ۲۲۰، ۲۱۹) در واقع معتقد است اندیشمندان نباید قانون علیت حاکم بر موجودات را در مورد ارتباط مخلوقات با آفریدگار نیز جریان دهند، و این در نگاه وی نه یک تخصیص و استثنا که تخصص است، یعنی «وجود» موضوعاً از دایره علیت بین «موجودات» خارج است. (همان: ۲۲۰)

در این خصوص بهشتی توضیح بیشتری نداده است و با توجه به مخاطبین خود، شرح مطلب را به موعده دیگر واگذار کرده و متاسفانه چنین شرحی در آثار وی یافت نشد. (همان: ۲۲۰) بنابراین ناچار از استمداد از مطالب دیگر فیلسوفان معاصر خواهیم بود تا به تشریح این مطلب از شهید بهشتی بپردازیم.



دکتر ابراهیمی دینانی در مورد تفاوت وجود و موجود بر آن است که؛ «وجود» کلمه‌ای عربی است که معادل فارسی آن «هستی» می‌باشد، و «موجود» نیز کلمه‌ای عربی است که از وجود گرفته شده و اگر بخواهیم آن را به فارسی تبدیل کنیم، معادل «هستنده» خواهد بود. (دینانی: <https://www.mehrnews.com/news/2421307/>) وی در مورد تفاوت موجود و وجود می‌گوید:

شک نیست که هر چه غیر هستی (هستندها - موجودات) است در هست شدن و هست بودن محتاج است به هستی (وجود) و هستی به خود هست و نه هستی دیگر. و هر چه محتاج است نه حق است. پس حق، عین هستی باشد که به خود «هست» است. و همه چیز (موجودات) به او (وجود) هستند. (دینانی: همان)

بنابراین ماسوی الله همه موجودند و «هستنده» و فقط حق تعالی است که هستی و وجود است. هر «موجودی» هستی خود را از موجودی دیگر می‌گیرد و یا به عبارت دقیق‌تر هر موجودی هستی خود را از «وجود» می‌گیرد، اما «وجود» هستی‌اش به خودش است. با این نتیجه می‌توان گفت شهید بهشتی در تعمیم دادن علیت منتزَع از رابطه موجودات با یکدیگر به رابطه بین وجود و موجودات، به این جهت مخالف است که رابطه موجودات، رابطه یک سلسله متشکل از عناصر متعلق به غیر و محتاج است و لذا علیت بین آن‌ها برخاسته از همین نحوه وجود آن‌هاست، در حالی که خداوند نه «موجود» که «وجود» است و فراتر از آن است که احکام بین این موجودات فقری بر او هم که وجودی مستقل و بی‌نیاز است، تحمیل گردد.

از آنچه بیان شد مشخص شد که شهید بهشتی قائل به معاد جسمانی مادی است و دلیل خود را نیز آیات کثیره قرآن و روایات پرشمار می‌داند و درمقابل اشکالات فیلسوفان را ناتمام و غیر صحیح و حاصل خلط احکام موجود با وجود می‌داند.

#### ۲.۴. نیازهای مادی و سعادت انسان

انسان در نگاه بهشتی موجودی در حال شدن است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۰۳) که

از نقطه صفر وجودی حرکت خود را آغاز کرده و مسیر تکامل را طی می‌کند. این موجود کاملاً مختار و انتخابگر است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۲۰۰) و مسیر خود را در دو جهت صعود و نزول تعیین می‌کند. وی حرکت انسان را در هر دو طرف صعود و نزول بی‌نهایت دانسته و معتقد است انسان با اختیار تام می‌تواند از ملائکه نیز برتر باشد و یا آنکه از حیوانات هم پست‌تر گردد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

از این‌جا بهشتی به این مسئله می‌پردازد که حتی بهشت هم نمی‌تواند سعادت نهایی انسان باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷)، چرا که گفته شد او حرکت انسان را در جهت رشد بی‌نهایت می‌داند و لذا انسان در بهشت نیز متوقف نخواهد شد. شهید بهشتی می‌گوید:

معاد و بهشت جای خوردن و خوابیدن بیخودی نیست، وگرنه خیلی ارزش نداشت. بهشت عبارت است از جایی که انسان‌هایی در حد انسان‌های به صلاح رسیده بتوانند فارغ از غم نان شب، به خودسازی‌هایی فراتر از نان شب ادامه دهند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۱۷)

اما اگر سعادت انسان در راهیابی به بهشت نیست، پس نقش بهشت در سعادت انسان چیست؟ بهشتی همان‌گونه که دنیای مادی را زمینه و بستر برای رشد و حرکت انسان به سمت تکامل می‌داند، معتقد است بهشت نیز مکانی است برای رشد انسان. بهشت برای این انسان‌ها هدف نیست، اگر هدف نیست پس چیست؟ جای مستعدی برای ادامه بی‌نهایت تکامل رضوانی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷)

وی با باور به اینکه انسان مادامی که کشش به غیر خدا داشته باشد شرایط سخت‌تری برای حق‌طلبی و خداجویی دارد، می‌گوید: «انسانی که نیازهای اولیه‌اش تامین شود، شانس توجه و تربیت آن نیازهای برتر (خداگرایی) معمولاً در او بالاتر است.» (همان: ۴۷)

در تحلیل این مطلب می‌توان گفت انسان مادامی که کشش به غیر خدا دارد، از مسیر تکاملی خود باز می‌ماند، اما اگر این کشش از بین رفت و انسان در جانب نیازهای مادی

خود تأمین شد؛ به قدری که نیازی در آن نمی‌بیند، دیگر فقط تمایل به خیر و حق باقی می‌ماند و انسان که موجودی است با قابلیت رسیدن به بالاترین مراتب وجودی، می‌کوشد تا به آن نیاز بالاتر و اصلی و حقیقی برسد.

و نیز می‌توان گفت اگر بدن و مزاج انسان سالم باشد دیگر نیازی نیست نفس بیش از حد به کار بدن و مزاج از او پردازد، و هنگامی که اشتغال نفس به بدن کم شود، در این صورت توجه نفس به باطن خود بیشتر و در نتیجه تعقلاتش قوی‌تر خواهد شد، (خمینی، بی‌تا، ج ۳، ۳۱) که حاصل آن پرداختن نفس به گرایش‌های فرامادی خواهد بود. البته این جوازی برای از بین بردن جلوه‌های شرّ و بستن باب فساد بر انسان نیست، چراکه در آن صورت اختیار انسان سلب می‌شود. بلکه مراد این است که انسان خود و با اختیار خود، دست به تعدیل خواسته‌ها زده (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۸۴) و بی‌نیاز شدن از لذات و گرایش‌های مادی؛ حرکت خود را در مسیر تکامل و رضای حق جریان بدهد. حال هرچه بی‌نیازی در بعد مادی بیشتر باشد نفس انسان در تعدیل خواسته‌ها به سمت تکامل موفق‌تر خواهد بود.

با توجه به این نکته است که شهید بهشتی معتقد است حرکت انسان در بهشت فقط به سمت رشد است و انسان بهشتی حرکت نزولی ندارد:

فرق آنجا با اینجا این است که میدان برای نیکان در یک جهت به سوی نیکی و برای دوزخیان در یک جهت به سوی شر و تیره بختی و تیره روزی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۱۹)

پس در اندیشه بهشتی اصل حرکت در جهان آخرت غیر قابل انکار است و همه انسان‌ها چه بهشتیان و دوزخیان در مسیری بی‌نهایت حرکت می‌کنند، (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸ الف: ۲۰۴) اما جهت این حرکت در این دنیا به صورت انتخابی است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۰۳) و در آن دنیا برای بهشتیان اختیاری و برای دوزخیان اجباری است.<sup>۱</sup>

---

۱. در مورد تفاوت انتخاب و اختیار باید گفت انتخاب در جایی است که گرایش‌ها و تمایلات متضاد وجود

به این ترتیب بهشت نیز ادامه زندگی مادی است و بستری برای حرکت تکاملی انسان، با این تفاوت که اولاً لذت‌های بهشتی برتر و بهتر از لذت‌های این دنیا است، (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۵۱) ثانیاً لذت‌های بهشتی خالص‌اند، (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰) و ثالثاً حرکت در بهشت فقط صعودی است و نزول ندارد. (همان: ۲۱۹)

نتیجه این دیدگاه آن خواهد بود که رفاه مطلوب در تمدن اسلامی شبیه‌ترین رفاه به آسایش و نوش بهشتی است. یعنی اقتصاد نه فقط از آن جهت که در سیاست تأثیرگذار است و بدین سبب حکومت و حکمرانی اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>))، بلکه از آن جهت که برای انسان آسایش و سعادت نسبی به بار می‌آورد نیز مورد توجه است. (همان)

#### ۳.۴. رفاه اقتصادی از دیدگاه شهید بهشتی

با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان گفت شهید بهشتی برای نیازهای مادی انسان جایگاه مهمی می‌بیند و از همین جاست که معتقد است نباید به بهانه دستیابی به بهشت، جامعه را از رفاه محروم ساخت. اساساً بهشتی رسیدن به بهشت و جاودانگی در آن را هدف انسان نمی‌بیند تا به این بهانه؛ جامعه فقیر را به صبر دعوت کنیم و در ازای آن وعده بهشت بدهیم. بلکه بر اساس آنچه از اندیشه وی در خصوص فلسفه بهشت و دوزخ مطرح شد، مشخص می‌شود که وی بهشت را بستر و زمینه رشد و تعالی انسان می‌بیند. بنابراین اگر انسانی خواستار رشد و تعالی باشد، نباید حرکت خود را تا رسیدن به آن بستر متوقف سازد، بلکه با این رویکرد؛ انسان باید برای خود بهشتی زمینی فراهم آورد، تا حرکت خود را تعجیل ببخشد. تحلیل این مدعا را ضمن چند مقدمه بیان خواهیم کرد:

---

داشته باشد، اما اختیار در جایی که یک گرایش وجود داشته باشد و انسان با قدرت و اراده خود عمل کند نیز صادق است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۹: ۱۰۷)

۱. بر اساس آیه: «یا أیها الإنسان إنک کادح إلی ربک کدحاً فملاًقیه» (انشقاق/۶)؛ انسان موجودی در حال حرکت به سمت هدف نهایی و سعادت خویش است. این حرکت در نظر بهشتی بی‌نهایت است و منحصر در عالم ماده نیست تا با رسیدن به بهشت یا دوزخ متوقف شود. (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

۲. با توجه به اینکه حرکت انسان بی‌نهایت است، بهشت نمی‌تواند تأمین‌کننده سعادت انسان باشد، چرا که اگر سعادت انسان در راه‌یابی و جاودانگی در بهشت بود، انسان با رسیدن به این هدف، از حرکت می‌ایستاد و نه آن که همچنان در بهشت نیز در جستجوی کمال و سعادت باشد.

۳. بهشت از دیدگاه شهید بهشتی، صرفاً بستری برای رشد و تکامل رضوانی بی‌نهایت انسان است، (بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷) و این از آن جهت است که بهشت با متکفل شدن تأمین نیازهای مادی و ابتدایی انسان (فصلت/۳۱)، زمینه‌ساز توجه انسان به نیازها و گرایش‌های والاتری چون خداگرایی خواهد شد.

۴. اگر انسان پیش از راه‌یابی به بهشت از نیازهای ابتدایی بی‌نیاز شده و یا صرف نظر کند، به گونه‌ای که با وجود نیازمندی در ابعاد مادی، به حداقل اکتفا کرده و خود را متوجه نیازهای عالی‌تر سازد، این انسان در همین دنیا بستر رشد و تکامل‌یابی خود را فراهم ساخته است و پیش از آنکه به بهشت برسد، خود را در مسیر تکامل رضوانی قرار داده است. شهید بهشتی در این باره می‌گوید:

این که در بعضی روایات آمده است بهشت آنها نقد است، کاملاً معنی دارد؛ یعنی همین‌جا حالت بهشتی دارند. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۵۷)

با توجه به این مقدمات، روشن می‌شود که از نظر آیت الله بهشتی، انسان نباید منتظر رسیدن به بهشت باشد، بلکه انتظار او باید متوجه قرار گرفتن در مسیر تکامل باشد. اگر رویکرد انسان مد نظر اسلام چنین باشد، حاصل این خواهد بود که نیازهای خود و جامعه خود را در همین دنیا تأمین کرده و انتظار جهانی دیگر را نمی‌کشد.

بهشت مظهر یک زندگی کامل و جامع انسانی است، و هدف اسلام ساختن این چنینی زندگی است... در این جهان. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۶۸)

به عبارتی بهشتی اقتصاد را وسیله‌ای در خدمت انسان می‌بیند که می‌تواند عامل رسیدن به سعادت باشد. (بهشتی، ۱۳۹۷: ۴۲)

#### ۴.۴. رفاه اقتصادی مطلوب

از آن‌چه گفته شد مشخص می‌شود که فقر در منظومه فکری شهید بهشتی از جایگاهی برخوردار نبوده و قطعاً مذموم است. بنابراین پرداختن به مسأله رفاه عمومی و فقرزدایی از اصول حکمرانی شهید بهشتی می‌باشد. اما آیا بهشتی به رفع فقر اکتفا کرده و آرمان او جامعه‌ی بشری غیر فقیر است، یا آن‌که این رفاه نسبی ابتدای انتظارات اوست و زمین را چون بهشت؛ سرشار از نعمات و لذات می‌خواهد و هیچ حدی برای آن قائل نیست؟

در پاسخ به این سوال بار دیگر به معادشناسی و بهشت در نگاه شهید بهشتی اشاره کرده و می‌گوییم: زمین و عالم ماده با همین قوانین حاکم بر این جهان، مثار تضاد و تراحم و تدریج است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۷۹)، بنابراین لذت خالص در آن معنا نخواهد داشت و هر لذتی، آمیخته با رنجی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰) بر این اساس اگرچه پرداختن به نیازهای مادی انسان لازم و ضروری است، اما ارضا و اغناء این نیازها در این جهان ممکن نخواهد بود، چراکه هرچه بیشتر به لذت پرداخته شود، رنجی هم متناسب با آن بر انسان عارض می‌شود.

باتوجه به این نکته باید گفت بهشتی همانگونه که در تعریف لغوی «اقتصاد» گذشت، معتقد است اعتدال در امر معاش، اقتصاد و رفاه مطلوب در این دنیا می‌باشد. نه فقر مورد پذیرش است، چون انسان را از نیازهای عالی باز می‌دارد، و نه زیاده‌روی و تکاثر قابل قبول است، چراکه اولاً این زیادت در لذت؛ رنج‌هایی در پی دارد، و ثانیاً توجه بیش از حد به امورات مادی در این دنیا، خود عامل بازماندن از نیازهای برتری چون خداگرایی است.

هیچ یک از دو مفسده تکاثر در این دنیا، در بهشت وجود نخواهد داشت. چون اولاً

لذت‌های بهشتی خالص‌اند بر خلاف دنیا (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۰)، و ثانیاً همه نعمات بهشت تجلی ذات باری تعالی هستند و بهشتیان متوجه این تجلی، بر خلاف این دنیا. اساساً بهشتیان واقف به این هستند که رضایت الهی، بالاترین لذت است (رضوان من الله أكبر) (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۸)، بنابراین هیچگاه از خداگرایی غافل نخواهند بود.

#### ۵.۴. ضرورت عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی، نگاه اجتماعی به مسأله اقتصاد است. آنچه تاکنون از مسأله اقتصاد مطرح شد ناظر به شخص انسان و سعادت او بود. اما یکی از ابیاحات قابل توجه در مسأله اقتصاد، جنبه اجتماعی آن بوده که تأثیر بسزایی در سعادت آحاد دارد.

شهید بهشتی مسأله عدالت اجتماعی را در بسیاری از آثار خود مورد توجه قرار داده است. یکی از اقسام این عدالت، عدالت اقتصادی است. بهشتی پرداختن به سعادت‌یابی دیگران را جزئی از مسیر سعادت شخص دانسته و بر همین اساس اسلام را دین سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۴) از این رو این‌که هر یک از اشخاص صرفاً به رفاه خود و خانواده خود بپردازد را برنتابیده و این امر را عامل بازماندن از مسیر کمال می‌داند. چنان‌که برخی اذعان داشته‌اند شهید بهشتی بر این نکته تأکید دارد که شاخص و مصداق خوب عمل کردن و کسب انسانیت و رسیدن به انسانیت در «رابطه با دیگران» است. (منوچهری، ۱۳۹۸: ۶۸)

بهشتی انسان را نه فقط مسئول ساختن خود، که مسئول ساختن محیط و اجتماع نیز می‌داند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۱۸) به این ترتیب کوشیدن برای رفاه عمومی نیز جزء مسئولیت‌های انسان است که پرداختن به آن از ضروریات مسیر تکامل رضوانی انسان خواهد بود.

نظام عادل اجتماعی چگونه است؟ بالاخره قرار بر این است که فقط معاد و معاد؟ عدل هم برای معاد؟ کسانی که در این جا ظلم می‌کنند، خداوند در سرای دیگر جزای کارشان را می‌دهد و کسانی که به آن‌ها ظلم شده، در آن جهان به بهشت می‌روند؟ خیر،

اصلا به شرطی به بهشت می‌روی که در اینجا تا پای جان برای نظام عادل اجتماعی بکوشی، وگرنه سعادتت در معاد نداری. بی‌خود اینجا ظلم‌پذیری نکن که آن‌جا به نعمت می‌رسی. (همان: ۲۲۰)

بهشتی نمی‌پذیرد که انسان بدون تلاش برای رفاه عمومی و واگذار کردن این امر به آخرت، انسان سعادت‌مند باشد، بلکه از نظر وی رسیدن به بهشت نیز در گرو تلاش برای ساخت بهشتی زمینی است.

### نتیجه‌گیری

شهید بهشتی در معادشناسی خود از معارف قرآن بهره برده و بر این اساس معاد را جسمانی مادی می‌داند. این رویکرد وی موجب می‌شود تا نگاه او نسبت به مسأله بهشت نیز متفاوت باشد و آن را نه مقصد و سعادت انسان، بلکه بستری برای رشد و تکامل بی‌نهایت رضوانی معرفی کند.

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ ضمن اشاره به ابعاد مختلف اقتصاد، به مسأله تأثیر آن در رشد و تعالی معنوی پرداخته‌اند. ایشان با اشاره به فرصت‌های مادی کشور، اهمیت تأمین رفاه و ساخت جامعه مرفه (با همان معنایی که گذشت) را گوش زد کرده و جوانان را به بهره‌وری از این فرصت‌ها و پیشرفت در تولید و اقتصاد ملی فراخوانده‌اند.

با توجه به معادشناسی بهشتی، می‌توان نگاه او به مسأله اقتصاد و رفاه مادی را تبیین نمود. او معتقد است انسان به بهشت می‌رود تا کار ناتمام خود را به اتمام رسانده و به رضوان و خشنودی الهی نائل آید که این سعادت انسان است. پس انسان در مسیر کمال نباید دنیا را رها کرده و تکامل خود را به آخرت و بهشت واگذار کند، بلکه باید درصدد آن برآید که از زمین بهره بهشتی ببرد.

بهشت از نظر شهید بهشتی، نیازهای مادی و اولیه انسان را تأمین می‌کند تا انسان فرصت پرداختن به نیازهای برتری چون خداگرایی را داشته باشد. بهشتی سپس تبیین



می‌کند که اگر انسان در این دنیا برای ساخت جامعه عادل و برای تعالی فردی و اجتماعی نکوشد و ظلم‌پذیر باشد، به امید این که در بهشت در بستر تکامل قرار گیرد، این انسان اصلاً به بهشت نخواهد رسید، چرا که شرط رسیدن به بهشت تلاش برای ساخت زمینی بهشتی است.

بدین ترتیب تأثیر رفاه اقتصادی در سعادت انسان و جامعه انسانی و تمدن اسلامی؛ روشن می‌شود که با تأمین نیازهای مادی، بستر برای رشد و تعالی معنوی نیز فراهم می‌شود. و نیز اهمیت کوشش برای ساخت بهشت زمینی و نظام عادل اجتماعی، با طریقتش برای راهیابی به بهشت تبیین خواهد شد. بدین ترتیب جایگاه رفاه اقتصادی در تمدن اسلامی که مورد تأکید بیانیه گام دوم انقلاب است، بر اساس منظومه فکری شهید بهشتی تبیین شد.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. <https://www.mehrnews.com/news/2421307>. ۱۴۰۰
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۱۹ ق. تفسیر القرآن العظیم. بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. جعفری، ابوالفضل؛ رئیس‌یان، امیر محمد. واکاوی مؤلفه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تطبیق با مفاهیم بنیادین اسلام با استفاده از روش تحلیل مضمون. <https://civilica.com/doc/1127769/>. ۱۳۹۹.
۶. حسینی، سید علی؛ احمدی‌فر، مصطفی. ۱۳۹۵. رفاه اقتصادی از منظر قرآن و آموزه‌های رضوی. فرهنگ رضوی. سال چهارم، شماره چهاردهم
۷. حسینی بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۶. آزادی، هرج و مرج، زورمداری. تهران. انتشارات روزنه.
۸. ... ۱۳۹۲. درس گفتارهای فلسفه دین. تهران. روزنه.
۹. ... ۱۳۸۸. حزب جمهوری، مواضع تفصیلی. تهران. نشر بقعه.
۱۰. ... ۱۳۹۷. نظام اقتصادی در اسلام (مباحث کاربردی). تهران. نشر بقعه.
۱۱. ... ۱۳۸۶. سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تدوین: سرابندی، محمد رضا. تهران. انتشارات مرکز اسناد.
۱۲. حسینی بهشتی، سید محمد؛ باهنر، محمد جواد؛ گلزاده غفوری، علی. ۱۳۹۴. شناخت اسلام. تهران. نشر روزنه.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۷. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
۱۴. ... ۱۴۰۰. منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای؛ تدوین: عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن. ۱۳۷۶. غوصی در بحر معرفت. تهران، اسلام.
۱۷. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ ق. فی ظلال القرآن. بیروت، دارالشروق.

۱۸. طریحی، فخرالدین. ۱۳۶۲. مجمع البحرین. تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ ق. کتاب العین. قم مؤسسه دارالهجره.
۲۰. مدرس طهرانی، آقا علی. ۱۳۷۸. مجموعه مصنفات حکیم موسس آقا علی مدرس طهرانی؛ گردآوری: محسن کدیور. تهران.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۳. معارف قرآن ۳.۱. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. ... ۱۳۹۹. انسان شناسی در قرآن. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. معصومی نیا، علی؛ رشیدیان؛ سمیه. ۱۳۹۴. نگرش اسلام به رفاه اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی. سال هفتم، شماره اول.
۲۴. معین، محمد. ۱۳۸۵. فرهنگ فارسی. تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۵. منوچهری، عباس. ۱۳۹۸. زیست و اندیشه شهید آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی. تهران. روزنه.
۲۶. موسوی خمینی، سید روح الله. بی تا. تقریرات فلسفه؛ تدوین: سید عبدالغنی اردبیلی. تهران، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۲۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۳. فرهنگ قرآن. قم، بوستان کتاب.

